



فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه

سال هشتم - شماره ۳۱ - پاییز ۱۳۹۹

DOI: 10.22084/nahj.2020.20374.2378

(مقاله پژوهشی)

بازشناخت موانع اساسی اجرای عدالت در حکومت علوی از منظر نهج البلاغه

محمد سبحانی یامچی^{*۱}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۷

(از ص ۴۱ تا ۵۸)

چکیده

اجرای عدالت در جامعه از نیازهای اساسی و فطری و یکی از اصول بنیادین حکومت است. در نگاه امام علی(ع) حکومت کارکردی مهم جهت خدمت، تأمین رفاه و آسایش عمومی مردم، رسیدگی و حل مشکلات امور مادی و معنوی دارد. لذا در سیره حکومتی امام، عدالت جایگاهی محوری و محکم در تنظیم حیات اجتماعی انسان‌ها دارد. نهج‌البلاغه بارها روی مسئله عدالت و اجرای آن در جامعه تأکید کرده و رفتار سیاسی و تلاش‌های آن حضرت برای اجرای عدالت در جامعه، نشان از اهمیت این امر در حاکمیت سیاسی اسلام دارد. در کنار تلاش‌ها و زحمات سازنده حضرت برای اجرایی کردن عدالت در جامعه، تاریخ نشان داد این اندیشه والا و بالنده علوی در جامعه با موانعی روبه رو است و جریانی سعی دارد تا مانع اجرای عدالت در جامعه شود. این مقاله به روش توصیفی تحلیلی با بررسی بیانات امام علی(ع) در پاسخ به مانع اساسی اجرای عدالت در حکومت علوی، خودتریبینی و خوداستکباری را علت اصلی مانعیت اجرای عدالت در جامعه می‌داند. مقاله کوشیده این مانع را در سه حوزه فردی، اجتماعی و اقتصادی بازشناسی کند.

کلید واژه‌ها: نهج‌البلاغه، موانع اجرای عدالت، خوداستکباری، خودتریبینی، امتیازجویی، آزادی اقتصادی.

۱. استادیار، گروه قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه

سیدرضی از میان سخنان امام علی(ع) در کتاب‌های پیش از خود، بیانات نغز و حکیمانه را در کتابی به نام نهج‌البلاغه گردآوری کرد. نهج‌البلاغه کتابی است که در آن در کنار بحث‌های اخلاقی، تربیتی و کلامی، بحث‌های سیاسی و حاکمیتی بیشترین گفتار امام را به خود اختصاص داده است. چون حضرت علاوه بر اینکه یک حکیم بود، حاکم جامعه اسلامی نیز بودند. خطابه‌ها و نامه‌های امام علی(ع) در نهج‌البلاغه حاکی از آن است که بیشترین سفارش به کارگزاران و فرماندهان و استانداران، توصیه به تقوای الهی و اجرای عدالت در جامعه اسلامی است. در نهج‌البلاغه بارها روی مسئله عدالت و انصاف تکیه شده چراکه «امام علی(ع) یکی از بزرگ‌ترین بنیان‌گذاران عدل در جامعه بشری است» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۵: ۵۲۹/۱). حضرت در طول مدت کمتر از پنج سال حکومت با موانع جدی در راه اجرای عدالت مواجه بود و به‌نوعی موانع اساسی مقابله با عدالت در جامعه را بازشناسی و با تمام توان و ظرفیت با بی‌عدالتی در جامعه مبارزه کرد که این موانع در نهج‌البلاغه منعکس شده است.

۱-۱. بیان مسئله

امام علی(ع) به‌عنوان جانشین پیامبر اکرم(ص) و مفسر و مبین آموزه‌های وحیانی قرآن، در سیره حکومتی خویش به‌عنوان نمادی از حکومت عادلانه اسلامی، برای عدالت جایگاهی محوری در تنظیم حیات اجتماعی انسان‌ها قائل است. ارزش و اهمیت عدالت از منظر امام در درجه‌ای از اعتبار است که انگیزه اصلی خود در قبول حکومت را استقرار عدالت در تمامی ساحت‌های آن در جامعه می‌دانست (رک: خطبه/۳). از آنجاکه اجرای عدالت موجب ثبات آرامش در جامعه و امنیت روانی آحاد آن می‌شود، تأمین رفاه و آسایش عمومی مردم و رسیدگی به امور مادی و حل مشکلات آنان به‌عنوان یک اصل مهم، مورد اهتمام نظام حکومت علوی است. در منظومه فکری امام علی(ع)، بین تأمین معیشت و آسایش مردم و دینداری آنان رابطه‌ای مستقیم وجود دارد، لذا به دست گرفتن قدرت و حکومت، اگر با انگیزه الهی و در مسیر خدمت به مردم و رشد و تعالی جامعه باشد، امری پسندیده، اما اگر برخلاف آن باشد، «دنیای حکومت بر مردم از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزش‌تر خواهد بود» (همان/۳). سیره حکومتی امام(ع) نشان داد آن حضرت اهتمام ویژه‌ای به مقوله عدالت و اجرای آن در جامعه دارد و حکومتش نمونه‌ای تاریخی از یک حکومت عدل اسلامی است. حضرت در خطبه منبریّه که در شهر کوفه ایراد شد، در علل نکوهش کوفیان فرمود: «هیئات که با شما بتوانم تاریکی را از چهره عدالت بزدایم و کجی‌هایی را که در حق راه یافته، راست نمایم» (خطبه/۱۳۱). قرائن تاریخی نشانگر آن است که در کنار تلاش‌های حکومت علوی، از سوی کسانی که در سالیانی نه‌چندان دور، به جهت خویشاوندی چونان شتری گرسنه بیت‌المال را بر باد داده (خطبه/۳) و با بی‌عدالتی شیرازه حکومت را ویران کرده بودند، موانعی سد راه اجرای عدالت در جامعه شکل گرفت و با اندیشه اصلاحی حضرت مقابله شد. از این‌رو پژوهش حاضر کوشیده با بررسی بیانات امام(ع) در نهج‌البلاغه به سؤالات ذیل پاسخ دهد: کدام موانع فردی اجرای عدالت در حکومت علوی را عقیم کرد؟ موانع اجتماعی

اجرای عدالت در حکومت علوی کدامند؟ در حوزه اقتصاد، چه موانعی بر سر اجرای عدالت در حکومت علوی قرار داشت؟ علت‌العلل مانع اجرای عدالت در حکومت امام علی(ع) از منظر نهج البلاغه چیست؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

در مورد پیشینه بحث عدالت و موانع اجرای آن پژوهش‌هایی کلی انجام گرفته است. غلام سرور اخلاقی در مقاله‌ای با عنوان «راهکارها و موانع تحقق عدالت در نظام سیاسی اسلام» در بخش پایانی مقاله به موانع تحقق عدالت به صورت کلی و فشرده اشاره کرده است (اخلاقی، ۱۳۸۹: ۱۷۵-۲۱۰). «اندیشه عدالت؛ ماهیت، شاخص‌ها و موانع اجرایی آن» از سعید رجحان به مقوله ماهیت عدالت و شاخص‌ها اشاره کرده است. در پایان مقاله تحت عنوان عدالت‌سیستمی و ظلم‌سیستمی به صورت گذرا به موانع اجرای تحقق عدالت در جامعه پرداخته است (رجحان، ۱۳۸۴/۷-۲۸). «عدالت اجتماعی در نهج البلاغه زمینه‌ها، موانع و دستاوردها» به قلم علی‌اصغر احمدی به زمینه‌های تحقق عدالت در دو حوزه زمینه‌های مشترک و مختص اشاره کرده است. ایشان در بخش پایانی مقاله به موانع اجرایی عدالت اشاره کرده و آن را در دو بخش موانع مربوط به حکومت و موانع مربوط به مردم تحلیل کرده است (احمدی، ۱۳۹۰: ۹۳-۱۱۰). در پژوهش‌های فوق هر کدام از نویسندگان از زاویه‌ای خاص و به صورت کلی و گذرا به موضوع پرداخته‌اند، اما هیچ‌کدام تتبع و تحلیل مناسب با نوشتار حاضر مبنی بر بازشناسی موانع اساسی اجرای عدالت در حکومت علوی از منظر نهج البلاغه را نداشته‌اند. پژوهش حاضر علت اساسی مانعیت اجرای عدالت را خوی و خصلت خوداستکباری و خودبرتربینی می‌داند که در سه محور موانع فردی، موانع اجتماعی و موانع اقتصادی، بروز و ظهور دارد.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

امام علی(ع) در مدت زمانی بعد از خلیفه سوم در پی درخواست عمومی مردم، به‌عنوان حاکم جامعه اسلامی سعی کردند نمونه‌ای از یک جامعه اسلامی مبتنی بر آموزه‌های قرآن کریم و سنت و سیره نبوی را به نمایش بگذارند. بیشترین توجه امام علی(ع) بر مسئله عدل و عدالت اجتماعی بود، چون عدم اجرای عدالت در ساحت‌های آن و عملکرد زورمدارانه حاکمیت بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) جامعه را دچار ناهنجاری‌ها کرده بود. امام علی(ع) عدم همراهی جامعه با خود را گرفتاری جامعه و حاکمان و کارگزاران به بی‌عدالتی در اجرای فرامین می‌دید. بی‌تردید شناخت چالش‌های دوران امام علی(ع) و انگیزه چالش آفرینان جهت مقابله با آن حائز اهمیت است. لذا اگر بخواهیم امروزه در جامعه اسلامی از ناهنجاری بی‌عدالتی به بهترین شیوه عبور کرده و جامعه را به عملکرد عدالت محورانه رهنمون کنیم، ضروری است عوامل عدم اجرای عدالت در جامعه علت‌شناسی شود. این مقاله با محوریت سخنان امام علی(ع) در نهج البلاغه سعی در بازشناخت مانع اساسی اجرای عدالت در حکومت علوی دارد و موانعی چون امتیازطلبی خواص و سودجویی آنان، برخورداری از تبعیض‌های ناروا، شیفتگی به دنیا و تکاثرگرایی، ضعف فرهنگی عدالت‌خواهی در بین مردم، نفوذ رشوه در بدنه حاکمیت و غیره را مهم‌ترین موانع چالش‌برانگیز در اجرای عدالت می‌داند.

۲. بحث

واژه عدل در لغت به معنی ضد جور و ظلم آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۸/۲). صاحب مقاییس برای عدل دو اصل قائل است و برای معنی اول استواء و برای معنی دوم اعوجاج را مطرح می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۴۶/۴). به نظر راغب اصفهانی، عدالت لفظی است که در حکم و معنای مساوات است و به اعتبار نزدیک بودن معنی عدل به مساوات، در آن مورد هم بکار می‌رود. ایشان واژه عدل (به فتح و کسر عین) را در معنی به هم نزدیک می‌داند و معتقد است که عدل در چیزهایی است که با بصیرت و آگاهی درک می‌شود، مثل احکام ولی واژه عدل در چیزهایی است که با حواس درک می‌شود، مثل اعداد و پیمانها (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۵۱/۱). آقای قرشی عدل را به معنی برابری و معانی مثل، فدیة، ضد جور را از مصادیق آن شمرده است (قرشی، ۱۳۷۱: ۳۰۱/۴). به نظر می‌رسد معنای مشترک بین لغویان همان معنای ضد جور و ظلم و برقراری مساوات است؛ بنابراین اگر در جامعه جور و ظلم رخت بر بندد و در تمام زمینه‌ها مساوات و برابری برقرار شود، یعنی همه چیز در جای خود قرار گرفته و عدالت برقرار است.

اجرای عدالت در جوامع انسانی، همیشه با مشکلات، موانع و محدودیت‌های گوناگونی روبه‌رو بوده و هست که غفلت از آن، دستیابی به این آرمان والای ارزشی انسانی را به تأخیر می‌اندازد. خصیصه خوداستکباری و خودبرتری‌بینی که از غرایز بسیار قوی در نهاد انسان است، به صورت‌های گوناگون در رفتار و کردار انسان بروز می‌کند و یکی از حالت‌های افراطی و شایع آن دنیاگرایی، امتیازطلبی، سودجویی و خودکامگی است. این خصلت در انسان به هنگام توانایی و تمکن، تشدید و سرکش می‌شود که «مَنْ مَلَكَ اسْتَأْتَرَ» (حکمت/۱۶۰) هر که به قدرت رسد راه امتیاز طلبی پیش گیرد. چنانکه امام هنگام اشاره به سیره خلیفه سوم، این خصلت او را مورد مذمت قرار دادند و فرمود: «اسْتَأْتَرَ فَأَسَاءَ الْأَثَرَةَ» او به انحصارطلبی و خودکامگی روی آورد و زیاده‌روی کرد (خطبه/۳۰). لذا در تذکرات خود به مالک اشتر می‌فرمود: «وَيَاكَ وَالْإِسْتِئَارَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَةٌ» (نامه/۵۳) مبدا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی امتیازی خواهی!

۲-۱. موانع فردی اجرای عدالت

مراد از موانع فردی آن گروه از عوامل بازدارنده‌ای است که در خصلت‌های اخلاقی و نحوه عملکرد تک تک افراد جامعه ریشه دارد و به دلیل عدم تحقق فراگیر عدالت فردی پدید آمده است.

۲-۱-۱. دنیاگرایی

انسان بنا به قاعده خلقت موجودی دو ساحتی است. بر همین اساس، هم دارای نیاز مادی است و هم دارای نیاز معنوی. شماری از انسان‌ها براساس پاره‌ای از عوامل، تنها به نیازهای مادی خود می‌اندیشند و به کلی از اندیشیدن به نیازهای معنوی فاصله گرفته‌اند. چنین نگرش و رفتاری، زمینه‌ساز بسیاری از ناهنجاری‌ها است. لذا چنین انسان‌هایی همه چیز و همه‌کس را برای خود و در خدمت خود می‌خواهند و در این راه از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند. زوایای فاجعه آن‌گاه گسترده و هول‌انگیز می‌شود که حاکمان و کارگزاران حکومتی به چنین روحیه‌ای گرفتار آیند و به مال خدا و مردم دست‌درازی کنند و دنیا را اولین و

آخرین هم خود قرار دهند و از معنویت فاصله بگیرند. امام علی(ع) این بیماری خانمان سوز را می‌شناخت و از پیامدهای آن آگاه بود و به کارگزاران خود دردمندانه هشدار می‌داد که از این بیماری واگیر فاصله بگیرید. بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) دین اسیر دست اشرار و وسیله هوسرانی دنیاطلبان شد (نامه/۵۳). امام علی(ع) که می‌خواست کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) در اداره حکومت جریان یابد و براساس آن حکومت عدالت شکل بگیرد، دنیاگرایی علت گریز خواص از حکومت امام علی(ع) و دنیاخواهی انگیزه بسیاری از مخالفت‌ها با امام(ع) شد. فضیل بن جعد، نقل می‌کند: مهم‌ترین سبب خودداری عرب در یاری نکردن امام علی(ع)، موضوع مال و ثروت بود؛ زیرا آن بزرگوار، هیچ شریفی را بر وضع و هیچ عربی را بر عجم، برتری نمی‌داد و با بزرگان و امیران قبیله‌ها، هیچ‌گونه سازشی نداشت و آن‌گونه که پادشاهان در این‌گونه موارد عمل می‌کنند، عمل نمی‌کرد و هیچ‌کس را با مال و همانند آن، به‌سوی خود جذب نمی‌نمود. شیوه معاویه درست نقطه مقابل امام علی(ع) بود. به همین سبب مردم علی(ع) را ترک کرده و به معاویه پیوستند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۱۹۷/۲). دنیاگرایی و افزون‌خواهی از دیدگاه امامان(ع)، پدیده‌ای شوم و شیطانی است که با اصول و آموزه‌های پیامبران سازگار نیست و با رشد و تکامل انسان و زندگی عادلانه او در این دنیا سازگاری ندارد. چون انسان‌های دنیاگرا و افزون‌خواه شیوه‌ها و روش‌هایی را که در همه شرایع آسمانی ممنوع و حرام است، به‌کار می‌برند و برای رسیدن به دنیا از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند. ستم، احتکار، رباخواری، استثمار، کم‌فروشی، گران‌فروشی، غارت بیت‌المال در ادبیات آن‌ها جایگاهی ویژه دارد. دنیاطلبی کار را به‌جایی می‌رساند که انسان برای رسیدن به مطامع خود، کتاب الهی را تفسیر به رای می‌کند (نامه/۵۵). شاید علت این امر بدین‌جهت باشد که: دنیا انسان را به خود مشغول و از غیر خود بیگانه می‌سازد، دنیاپرستان به چیزی از دنیا نمی‌رسند مگر اینکه دری از حرص به رویشان گشوده می‌شود و آتش عشق آنان تندتر می‌گردد. لذا کسی که به دنیا برسد هرگز به آنچه دارد قانع نمی‌شود (نامه/۴۹) و عادلانه زندگی کردن را برای خود بر نمی‌تابد.

۲-۱-۲. امتیازطلبی

یکی از موانعی که بر سر راه اجرای عدالت وجود داشته و تا زمانی که جذبه و شیرینی و تفاخر قدرت در وجود انسان ریشه دوانده، وجود خواهد داشت و جزء عوامل اولیه در انحراف حکومت‌هاست، امتیازطلبی است. در جوامع همیشه افراد متمول و ثروتمند، در سایه قدرت و امتیازطلبی سعی کرده‌اند از تمامی امکانات جهت رسیدن به منافع خود حداکثر بهره را ببرند. لذا هر زمان احساس کنند کسانی با این شیوه انحصارطلبی مخالفت می‌کنند، در مقابل آن‌ها با تمام توان مقابله خواهند کرد. لذا مراعات انصاف بین خود و دیگران و رعایت حقوق آنان در روابط اجتماعی از جمله تأکیدات امام(ع) است. امام علی(ع) با تعبیرات گوناگون به این معنا تصریح می‌کردند که: «أَنْصِفِ اللَّهَ وَ أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ» با خدا و مردم انصاف را رعایت کن (نامه/۵۳). آن حضرت در تبیین پیامدهای تبعیض می‌فرمود: «فَإِنَّ الْوَالِي إِذَا اِخْتَلَفَ هَوَاهُ مَنَعَهُ ذَلِكَ كَثِيرًا مِنَ الْعَدْلِ» وقتی خواسته‌های گوناگون و متفاوت شود او را از اجرای بسیار عدالت باز می‌دارد (نامه/۵۹)؛ زیرا وقتی که انسان با مقیاس‌های خود به ارزیابی دیگران می‌پردازد بسیاری از بایسته‌ها را

نمی‌بیند و یا ضرورتی در مراعات آن‌ها نمی‌بیند. گاهی این نگرش باطل نه تنها عدالت‌خواهی را از میدان عمل انسان دور می‌کند، بلکه ملاکی برای مرزبندی‌های سیاسی قرار می‌گیرد و سمت‌گیری سیاسی شخصی را در جهتی قرار می‌دهد که تأمین‌کننده تبعیض و امتیازخواهی او باشد. امام علی(ع) در مورد کسانی که به معاویه پیوسته‌اند می‌گوید: «آنان عدالت را شناختند و دیدند و شنیدند و به گوش سپردند و دانستند که مردم در میزان عدالت برابرند. لذا گریختند تا به امتیازهای ویژه برسند.» (نامه/۷۰) چون تبعیض، رابطه‌ها را به جای ضابطه‌ها می‌نهد و احساسات را به جای معرفت و تعقل به کار می‌گیرد و جدای از مرزبندی‌های معقول و قانون‌مند جامعه، به مرزبندی مبهم و ناشناخته می‌پردازد (باقری، ۱۳۸۶: ۱۲۹) و بی‌کفایتی‌ها بر قابلیت‌ها حکومت می‌کند و خواسته‌ها و منافع شخصی بر قوانین شرع مقدم می‌شود و زمینه چپاول ثروت‌های فرهنگی و سیاسی و مادی مردم برای غارتگران فراهم می‌شود.

امام علی(ع) با شناخت دقیق از این امر عدالت سوز در منشور حکومتی خود می‌نویسد: «برای والی نزدیکان و خلوت‌نشینان است که خوی برتری‌جویی و امتیاز طلبی دارند و در معاملت با مردم کم انصافند، ریشه آنان را با بریدن اسباب آن برآور و به هیچ‌یک از آنان قطعه زمینی واگذار مکن و مبادا در تو طمع کنند و با بستن پیمان‌هایی به دیگران زیان رسانند و بار بر دوش دیگران نهند که گوارایی و رفاه برای آنان باشد و عیب آن به نام تو رقم خورد.» (نامه/۵۳). چون اگر امتیازجویی آدمی و صورت‌ها و اندیشه‌های ناشی از آن در فضای جامعه رسوخ کند، ریشه اندیشه عدالت‌ستیزی را ویران می‌کند و کارکرد حاکمان عادل جامعه را از رونق می‌اندازد. به دیگر سخن، جامعه گرفتار امتیازجویی و امتیازدهی، روی عدالت اجتماعی را نخواهد دید و عدالت در زیر گام‌های امتیازخواهان و امتیازدهندگان، درهم کوبیده خواهد شد.

امام علی(ع) که بنا داشت جامعه را با معیار کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم(ص) اداره کند مخالف چنین افکار انحرافی بود، چون این اندیشه‌های امتیازدهی و امتیازجویی را مانع عدالت در جامعه می‌دانست که تاریخ نمونه‌های آن را در برخورد با برادرش عقیل (خطبه/۲۲۴) و پسر عمویش ابن عباس (نامه/۴۱) ثبت کرده است. آن حضرت به مالک نوشت: «بپرهیز از آنکه چیزی را که مردم در آن برابرند به خود اختصاص دهی و از غفلت از چیزی که درخور توجه است و چشم همگان آن را می‌بیند، زیرا آنچه را به خود اختصاص داده‌ای از تو می‌ستانند و به دیگران می‌سپارند و دیری نباید که پرده از کارهایت کنار رود و داد ستمدیده را از تو بستانند» (نامه/۵۳). امام علی(ع) با اشاره به نوع برخوردش با امتیازطلبی برادر و شگفت‌تر از آن داستان مردی که در تاریکی شب با ظرفی سربسته به دیدارش رفته بود، سیره رفتاری خویش در مخالفت با امتیازطلبی و امتیازجویی را نشان داد (خطبه/۲۲۴). چون نمایش رفتارهای تبعیض‌آمیز از سوی افراد، به‌ویژه خواص جامعه، افزون بر اینکه با اهداف عدالت اجتماعی مغایر است، موجب کم اثر شدن آموزه‌های دین در متن زندگی مردم می‌شود و مردم را از دین و حاکمیت دور می‌کند.

۲-۱-۳. خودکامگی

خودکامگی در لغت به معنی خودسری و هوی پرستی است (معین، ۱۳۷۵: ۱/۱۴۵۳). خودکامگی در تصمیم و بی‌اعتقادی و بی‌اعتنایی به سرنوشت مردم، به سبب پستی و حقارتی که در نفس احساس می‌شود (کلینی، ۱۳۶۵: ۲/۳۱۲)، ردیلتی است که انسان را دچار زیان‌های سنگین و عواقب سوء و گاه خسارت‌های جبران‌ناپذیر می‌کند. امام علی(ع) خودکامگی را مایه هلاکت و تباهی دانسته و همگان را از آن بر حذر داشته است (حکمت/۱۶۱). چون خودسری و خودکامگی همواره در طول تاریخ مردم را از دست‌یابی به موهبت عظیم عدالت، محروم ساخته است. امام علی(ع) برای مالک نوشتند: «ثُمَّ إِنَّ لِلْوَالِي حَاصَةً وَ بَطَانَةً فِيهِمْ اسْتِثَارٌ وَ تَطَاؤُلٌ وَ قَلَّةٌ اِنصَافٍ فِي مَعَامِلَةٍ» پس بدان که برای حاکمان و فرمانروایان، خواص و نزدیکانی هستند که به خودسری و خودکامگی و درازدستی به حقوق مردم و کمی انصاف در معامله و برخورد با دیگران، خو گرفته‌اند (نامه/۵۳). امام(ع) هر جا در حاکمیت خطر خودکامگی را از سوی کارگزاران و کارکنان مشاهده می‌کرد، بی‌درنگ به درمان و قطع ریشه آن همت می‌نمود و نسبت به نفی خودکامگی از همه وجوه حاکمیتی تلاش می‌کرد. یکی از علل برخورد حضرت آن بود که خودکامگی موجب زیر پا گذاشتن حقوق مردم و بی‌حرمتی به کرامت انسانی و چپاول اموال و دارایی آن‌ها می‌شد و نارضایتی عمومی را به دنبال داشت و به نوعی جامعه را گرفتار بی‌عدالتی می‌کرد. امام علی(ع) علت قتل عثمان را خودکامگی او می‌دانست که با بی‌عدالتی و نارضایتی مردم همراه شد. «من ماجرای او را برایتان خلاصه می‌کنم: عثمان استبداد و خودکامگی در حکومت را از حد گذراند» (خطبه/۳۰).

همواره افرادی بوده و هستند که پدیده‌های گوناگون و حوادث طبیعی و اجتماعی را از منظر منافع مادی خود مورد ارزیابی قرار می‌دهند. لذا ارزش و اهمیت حوادث سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برای آنان متناسب با منافع و درآمدی است که برای آنان حاصل می‌شود. با بررسی عملکرد برپاکندگان جنگ جمل مشخص می‌شود که آنان عدالت خلل‌ناپذیر علی(ع) را مانع دست‌یابی خویش به منافع سرشار و سودهای کلان و امتیازهای ناحق از بیت‌المال می‌دیدند. لذا امام در برابر این سودجویان به پاخواست و با مانع‌تراشی آنان قاطعانه برخورد کرد. امام علی(ع) در کلامی جامع به ابعاد این مسئله پرداخت و به مالک نوشت: «نیکی به بازرگانان و صنعتگران را به خود یادآوری کن و به دیگران نیز نیکی به آن‌ها را سفارش کن... زیرا که آنان مایه منفعت و زمینه‌سازان آسایش مردمند و باین‌همه بدان که در جمع آنان بسیاری تنگ‌نظر و طمع‌کار و احتکارگر و انحصارطلب‌اند و این شیوه‌ای مضر به مردم و عیب حکومت است، پس از احتکار و سودجویی جلوگیری کن تا خرید و فروش آسان و روال متعارف به خود گیرد و با ترازوی عدالت پیش رود و نرخ‌های رایجی که نه ضرر به فروشنده و نه خریدار باشد صورت پذیرد» (نامه/۵۳). ضعف نفس و پیروی از امیال شیطانی، مفاسد فردی و اجتماعی گسترده‌ای به دنبال دارد و موجب سقوط جوامع و فاصله گرفتن آن از اصول و آرمان‌های عدالت‌خواه می‌گردد. امام علی(ع) می‌فرمود: اگر هوس‌رانی و ظلم به نفس در جامعه فراگیر شود، امید به اجرای عدالت به‌طور کامل از بین می‌رود: «كَيْفَ يَعْدِلُ فِي غَيْرِهِ مَنْ

يُظَلِّمُ نَفْسَهُ» کسی که به خود ستم می‌کند چگونه می‌تواند عدالت را در مورد دیگران رعایت کند؟ (آمدی، ۱۴۱۰: ۵۱۷/ح/۶۹۴۵).

۲-۲. موانع اجتماعی اجرای عدالت

موانع اجتماعی، عوامل بازدارنده و محدودکننده‌ای است که مستقل از اراده تک‌تک افراد و در سطح گسترده‌ای، اجرای عدالت را دچار وقفه می‌کند.

۲-۲-۱. ضعف فرهنگی عدالت‌خواهی

بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) با روی کار آمدن سقیفه در طول بیست‌وپنج سال، تلاش گسترده‌ای جهت حذف فرهنگ دینی مردم شکل گرفت و فرهنگی غیر از فرهنگ نبوی ساخته شد. در این سال‌ها اخلاقیات، قوانین، رسوم و عادات مردم دستخوش تغییر شد و جامعه به‌نوعی با فرهنگ جدید هماهنگ و همراه شد. اگر فرهنگ که مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، اعتقادات، هنر، اخلاقیات، قوانین، رسوم و هرگونه توانایی و عادات است (جعفری، ۱۳۷۳: ۱۱) دست‌خوش تغییر و دگرگونی شود، اثرات آن هویت جامعه را تخریب خواهد کرد. لذا امام علی (ع) پس از به خلافت رسیدن با سیاست‌های اصولی، رشد فرهنگی مردم را آغاز کرد. آن حضرت اصلاحات اداری و اقتصادی را با همه مشکلاتی که در پی داشت از آغازین روزهای حکومت شروع کرد، اما به انجام رساندن اصلاحات فرهنگی و فکری و مبارزه با دگرسانی‌های ارزشی و تخریب‌هایی که در ابعاد مختلف در حکومت اسلامی روی داده بود، زمینه مساعدی نداشت (ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۳/۳۹۰). چون جنگ‌های تحمیلی جمل، صفین و نهروان فکر و توان و فرصت امام را به خود معطوف کرده بود. لذا فرمود: «لَوْ قَدِ اسْتَوَتْ قَدَمَايَ مِنْ هَذِهِ الْمَدَاحِصِ لَعَبْرَتْ أَشْيَاءُ؛ اگر در برابر این لغزشگاه‌ها (فتنه‌ها) گام‌هایم استوار شود اموری را تغییر و دگرگون خواهیم کرد» (حکمت/۲۷۲).

تلاش در جهت حفظ هویت جامعه به‌وسیله برقراری عدالت و انصاف و جلوگیری از تبعیض که خود مانع بزرگی در سر راه ایجاد امنیت اجتماعی است، روشی بود که حضرت برای مقابله با نفوذ فرهنگی به‌کار بست. چون فرهنگ عمومی جامعه، گاه در قبال اهداف عدالت‌جویانه، عاملی بازدارنده است. این امر زمانی روی می‌دهد که اخلاق عمومی متحول شده و ضد ارزش‌ها جایگزین ارزش‌ها شوند. در چنین شرایطی مردم حاضر به پذیرش اصول عدل و داد نیستند و قوانین مساوات را بر نمی‌تابند، بلکه هر گروه به‌تناسب قدرت و امکاناتی که در اختیار دارد به فزون‌طلبی می‌پردازد و دامنه حقوق و خواسته‌هایش را افزایش می‌دهد. به گواهی تاریخ، انبوه مردم به ظاهر مسلمان، به جهت فقر فرهنگی در قضاوت در جبهه مقابل امام عدل و داد صف کشید و آن پیشوای دادگستر را به دست برداشتن از آرمان‌های عادلانه‌اش فرا خواند و این در حالی است که آن حضرت خطاب به مردم می‌فرمود: «ای مردم مرا در کار اصلاح خودتان یاری دهید، به خدا سوگند که داد مظلوم را از ظالم می‌گیرم و افسار ستمکار را می‌کشم تا او را به آبشخور حق در آورم» (خطبه/۱۳۶). مخاطب امام علی (ع) کسانی بودند که سالیان متمادی گرفتار ضعف فرهنگی بودند، همان‌هایی که حضرت درباره آن‌ها فرمود: در حاشیه جاده‌های گمراهی ایستادم تا شما را به حق درآورم شما در این جاده‌های گمراهی به یکدیگر می‌رسیدید و راهنمایی نداشتید و زمین را برای رسیدن

به زلال هدایت حفر می‌کردید ولی آبی نمی‌یافتید (خطبه/۴). امام علی(ع) که دغدغه عدالت فرهنگی و اجتماعی داشت، ضعف فرهنگی جامعه چنان در روحیه حضرت تأثیر گذاشت که درباره آنان فرمود: «همواره پیامدهای عهدشکنی شما را انتظار می‌کشیدم و نشانه‌های فریب‌خوردگان را در سیمای شما مشاهده می‌کردم» (همان/۴).

بی‌تردید جامعه‌ای که گرفتار ضعف فرهنگی شده و یا مقاومت فرهنگی خود را از دست بدهد، زمینه سلطه بیگانه را فراهم کرده و به راحتی گرفتار بی‌عدالتی می‌شود. به دیگر سخن، لازمه اجرای عدالت در جامعه عدم سکوت مردم در برابر ستم ستمگران و همراه بودن آنان با حاکم عدالت‌خواه است. سکوت مردم و عدم تقویت حاکم یکی از موانع اجرای عدالت در جامعه است. اگر ستمگری و تعدی به حقوق دیگران در بدنه نظام رسوخ کند، نه تنها فرهنگ بلکه اقتصاد و استعدادها پیشرفت آن جامعه را به تباهی خواهد کشاند و بزرگ‌ترین سد و مانع برپایی عدالت خواهد بود. در بینش اسلامی، نظامی که برابر معیارهای اسلامی پا می‌گیرد، نه تنها کارگزاران آن، نباید به مردم ستم روا دارند که باید از گسترش ستم، با چهره‌های گوناگون آن نیز جلوگیری کند و دشمن سرسخت ستمگر و یاور ستم‌دیده باشند (نامه/۳۱). علی(ع) به زیاد بن ابیه کارگزار خود در خطبه فارس فرمان می‌دهد: «اسْتَعْمِلِ الْعَدْلَ وَ اخْذِرِ الْعُسْفَ وَ الخَيْفَ فَإِنَّ الْعُسْفَ يَعُوذُ بِالْجَلَاءِ وَ الخَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ» عدالت را بگستران و از ستمکاری پرهیز کن که ستم رعیت را به آوارگی کشاند و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد (حکمت/۴۷۶). امام علی(ع) در یکی از خطبه‌های خود، با اشاره به فتنه جمل فرمود: «به خدا اگر از مسلمانان جز یک تن را از روی عمد و بی آنکه او را جرمی باشد، نکشته بودند، کشتن همه آن لشکر بر من روا بود، چه، حاضر بودند و انکار نمودند و به زبان و دست، به دفاع بر نخواستند تا چه رسد بدان که آنان به تعداد لشکریان خود از مردم بی‌دفاع بصره قتل‌عام کردند» (خطبه/۱۷۲). ستمگری و ظلم و تعدی به مردم و از بین بردن آن‌ها برای رسیدن به منافع مادی، یعنی به مسلخ بردن عدالت در جامعه. امام(ع) در سال ۳۷ هجری در مسجد کوفه در معرفی مردم و روزگار پس از پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «گروهی از مردم هستند که آنان شمشیر از نیام درآورده، شر خود را آشکار نموده، مردان سواره و پیاده‌اش را گرد آورده، خود را آماده پیکار ساخته و برای رسیدن به اندکی از مال دنیا که غارت نماید، یا سپاهی که بر آن فرمان براند و یا منبری که بر فراز آن نشیند، دین خود را تباه ساخته. چه بد معامله‌ای است که دنیا را بهای خود بدانی و آن را در عوض آنچه نزد خدا برایت فراهم است بگیری!» (خطبه/۳۲).

۲-۲-۲. برخورد‌های دو گانه و تبعیض آمیز

۲-۲-۲-۱. تبعیض در اجرای قانون

بی‌تردید وجود قانون در جامعه از ضروریات زندگی است، ولی عملگرایی و اجرای قانون از آن مهم‌تر است، چون در خیلی از جوامع عادلانه‌ترین قوانین تدوین می‌شود ولی در عمل به جهت رسوخ تبعیض در لایه‌های حکومت برخی کارگزاران و حاکمان در اجرای قوانین گرفتار استبداد فردی و مصلحت‌گرویی خاص شده و خویشتن را برتر از قانون می‌دانند. تأمل در سیره امام علی(ع) نشان می‌دهد که در نگاه

حضرت، هیچ کس فراتر از قانون نیست و هیچ کس و هیچ مقامی نمی تواند مانع اجرای قانون الهی گردد. از آنجاکه حکومت اسلامی مسئولیت عدالت و اخلاق و فراهم کردن زمینه های زیست مسلمانی و اسلامی جامعه را بر عهده دارد، در نامه ای به محمد ابن ابی بکر سفارش می کند حتی در نوع نگاه به رعیت عدالت را مراعات کن. «نسبت به مردم متواضع باش، به آن ها احترام کن! با روی خوش با آنان برخورد کن! در نگاه کردن چه کم و چه با دقت میان آنان فرقی نگذار تا نیرومندان توقع اضافی پیدا نکنند و نیازمندان نسبت به عدالتی که اجرا می کنی مأیوس نگردند» (نامه/۲۷). امام علی(ع) به کارگزاران می فرمود: به گونه ای با مردم رفتار کنید و مساوات در برخورد را سرلوحه کار خود قرار دهید که نه نزدیکان به چشم طمع به شما بنگرند و نه دشمنان از عدل شما ناامید گردند. «وَاسِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ بَوَّحْهَكَ وَ مُنْطَلِقَكَ وَ مَجْلِسِكَ حَتَّى لَا يَطْمَعُ قَرِيْبَكَ فِي حَيْفِكَ، وَ لَا يَيْئَسَ عَدُوْكَ مِنْ عَدْلِكَ» در میان مسلمانان در نگاه، گفتار و نشست با مردمان به مساوات رفتار کن تا نزدیکانت به ستم چشم ندوزند و دشمنت نیز از عدالت تو ناامید نگردد (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۱۲/۲۷). امام در آموزه هایش بر این برابری تأکید می کرد و با آن همه عظمت و جلالت و جایگاه والا در علم و عمل، در برابر دستگاه قضایی حکومت خود، فروتنانه می ایستاد و به پرسش های قاضی منصوب خود، پاسخ می گفت و عملاً پاسداری از حقوق مردم را نشان می داد تا درسی برای همگان باشد (ری شهری، ۱۳۸۹: ۴۳۱/۳). از نمونه های زیبای این جلوه از بینش و رفتار مساوات گرایانه، اعتراض امام علی(ع) به خلیفه دوم است که آن حضرت را در جلسه دادگاه، بیش از طرف یهودی دعوا، احترام کرده بود. امام علی(ع) نمی تواند تاب بیاورد که در جلسه دادگاه، شاکی او که شخص یهودی است، از طرف خلیفه به اسم صدا شود و آن حضرت با کنیه نام برده شود (قرائتی، بی تا: ۱۷۶). چراکه در تفکر سیاسی حضرت «داوری با گمان بر افراد مورد اطمینان، دور از عدالت است» (حکمت/۲۲۰).

۲-۲-۲-۲. تبعیض در تقسیم بیت المال

سنت به طریق پیامبر اکرم(ص) تساوی در تقسیم بیت المال و صدقات بود، بدون اینکه ترجیح و تفضیل بزرگان و سادات قوم بر دیگران باشد. امام علی(ع) نیز بیت المال را به طور مساوی بین افراد تقسیم می کرد و در برابر تقاضای برخی از افراد که می خواستند آن حضرت امتیازی برای آن ها قائل شود و سهم بیشتری از بیت المال به آن ها بدهد، موضع می گرفت. ابواسحاق همدانی می گوید: دو زن که یکی عرب و دیگری عجم بود، نزد امام علی(ع) آمدند. آن حضرت از بیت المال به هر دو مثل هم داد. زن عرب اعتراض کرد. امام فرمود: من در بیت المال برتری برای عرب بر اولاد اسحاق نمی بینم (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ۲۰۰/۲). پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) ابوبکر در تقسیم بیت المال تساوی را نسبت به همه افراد و گروه ها رعایت می کرد ولی عمر در مقام تقسیم بیت المال برخی گروه ها و افراد را برتری می بخشید و می گفت: کسانی که در جنگ بدر شرکت داشتند بر دیگران مقدم هستند، زنان پیغمبر و بستگان آن حضرت و یا عرب بر عجم امتیاز دارد. ولی عثمان برخلاف دو خلیفه قبلی اموال بیت المال را به افرادی که می خواست می بخشید و در حقیقت بیت المال و کشور اسلامی را ملک شخصی خود می دانست. از طرف دیگر فتوحات و غنائم در

زمان عثمان بسیار زیاد بود، به طوری که از آفریقا و جاهای دیگر غنائم زیادی می‌آوردند و عثمان گاهی حتی هوس می‌کرد که همه غنائم یک منطقه را به مروان حکم که دامادش بود، بدهد (منتظری، ۱۳۸۳: ۸۴/۶). سیاست امام برخلاف این بود، لذا وقتی امام به دلیل رعایت مساوات در تقسیم بیت‌المال مورد انتقاد قرار گرفت فرمود: «آیا برآنید که مرا وادارید تا پیروزی را به بهای ستم بر کسانی فرا چنگ آورم که مسئولیت سرپرستی‌شان بر دوشم سنگینی می‌کند؟ به خدا سوگند که تا روزگار در گردش است و ستارگان آسمان پیاپی هم روان‌اند، علی فراگرد چنین ناروایی نکرده. اگر این مال، ثروت شخصی من بود در پخش آن برابری را پاس می‌داشتم، چه رسد که مال، مال الله باشد» (خطبه/۱۲۶). هنگامی که آن حضرت زمام امور را به دست گرفت و اعلام کرد: به سیره رسول خدا(ص)، یعنی مساوات در تقسیم بیت‌المال عمل خواهد کرد، شماری از بهره‌مندان دستگاه خلیفه سوم، روش علی(ع) را برنتابیدند و صف خود را از وی جدا ساختند و به این نیز بسنده نکردند و با آن حضرت رودررو شدند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۳۶/۷-۴۳). امام علی(ع) از آغاز حکومت پربرتکث تساوای حقوق اجتماعی و اقتصادی را اعلام داشت. از روزی که برای اولین بار در تقسیم بیت‌المال سهم‌ها مساوی شد، اشراف و قدرتمندان و امتیازطلبان بر خود لرزیدند و آنگاه که امام در برابر زن عربی که در تساوای با زن عجمی، اعتراض داشت، دو مشت خاک را به‌عنوان یکسانی خلقت برداشت، روش رهبری امام و مشی قرآنی او مشخص و برای هر ناآشنایی معین شد. آن حضرت در تقسیم عادلانه ثروت قاطعانه روش انقلابی اسلام را پیش گرفت و از تمرکز ثروت نامشروع به‌سختی جلوگیری کرد (آیین‌وند، ۱۳۶۷: ۹۴) و فرمود: «همانا امام از قومی است که در راه خدا از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسد» (خطبه/۱۹۲).

۲-۲-۳. تبعیض در واگذاری پست‌ها

از جمله عوامل بازدارنده و مانع برقراری عدالت در جامعه و آفت‌های بنیان برافکن آن، تبعیض در واگذاری پست‌ها به افرادی است که شایستگی لازم برای تصدی آن پست را ندارند. وقتی افراد ناشایست، تنها به خاطر دوستی، آشنایی، هم‌جناحی و هم‌یاری با طبقه حاکم، در پست‌های حکومتی قرار می‌گیرند، نخستین چیزی که لگدمال شده و درهم کوفته می‌شود، عدالت است. وقتی خلیفه سوم بنی‌امیه را بر مردم مسلط نمود و پست‌های کلیدی را به آنان واگذار کرد، مورد نارضایتی مردم و اصحاب پیامبر قرار گرفت و منجر به کشته شدن عثمان شد و مردم برای بیعت با امیر مؤمنان هجوم کردند و حضرت حجت را بر خود تمام دید و به‌ناچار حکومت را پذیرفت، امام به دو کار بسیار مهم و اساسی همت گماشت، بیرون راندن هواپرستان از بدنه حکومت و واگذاری پست‌ها و مقام‌ها به دست اهل دیانت و عدالت (انصاریان، بی‌تا: ۳۱۱/۸). امام علی(ع) حتی در جابه‌جایی کارگزاران در پست‌های حکومتی سعی داشت به جهت کارایی خاص افراد آن‌ها را در پست جدید به کار گیرد. امام(ع) عمر بن ابی سلمه مخزومی را که کارگزار امام در بحرین بود عزل و به‌جای او نعمان بن عجلان زرقی را جایگزین کرد؛ اما در نامه‌ای به او نوشت: «من نعمان بن عجلان زرقی را به حکومت بحرین گماردم و تو را، بی‌آنکه سرزنش و نکوهشی بر تو باشد، از آنجا برداشتم. حقا امر زمامداری را به‌خوبی به انجام رساندی و امانت را ادا کردی نزد من بیا که نه

سوءظنی به تو هست و نه سرزنش ... آهنگ حرکت به سوی ستمکاران شام را دارم و دوست دارم تو در این سفر همراه من باشی، زیرا از کسانی هستی که در مصاف با دشمن و برپانمودن ستون دین به آنان پشت گرم هستم» (نامه/۴۲). بینش سیاسی و مدیریتی حضرت نه تنها مخالف با بی‌عدالتی در واگذاری پست‌های سازمانی است بلکه در سپردن پست‌ها سعی داشت با توجیه افراد و از بین بردن سوءظن ناشی از جابجایی، هر کسی را در بهترین پست سازمانی بکار گیرد و با هر نوع تبعیض اداری مقابله کند.

۲-۲-۳. فزون خواهی و تکاثر

فزون خواهی و انباشته شدن ثروت در نزد گروهی خاص و محدود، نه تنها ضد عدالت و مانع اجرای آن است که ضد انسانیت است؛ چراکه انسان فزون خواه که به چیز دیگری جز انباشتن ثروت نمی‌اندیشد و به جای تأمین و رعایت منافع و مصالح عمومی جامعه بر منافع شخصی و خصوصی تأکید دارد، خود و جامعه را به سوی تباهی می‌کشاند. لذا با فزون طلبی افراد انحصارگر در جامعه، توازن اقتصادی و مالی جامعه به هم می‌خورد و با بروز فاصله طبقاتی عمیق، مشکلات فراوانی فراروی فرد و جامعه پدید می‌آید و گاه زمینه انفجار و انقلاب‌های اجتماعی فراهم می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۴۳۷/۲). از این روی، در قرآن و روایات از آن به عنوان پدیده ضدارزش و ویرانگر فضائل اخلاقی یاد شده است که جامعه را به سوی ضد ارزش‌ها سوق می‌دهد و از پیروی عقل و دین باز می‌دارد. به فرمایش حضرت: «هیچ ثروتی بهتر از راضی شدن به رزق خدا ریشه فقر را نمی‌کند» (حکمت/۳۷۱). چون عشق به ثروت کلید سختی‌ها و مرکب ناراحتی‌هاست و بر اثر علاقه به تکاثر طلبی، انسان به هر گناه و مشکلی آلوده و خود را برده دنیا می‌کند (حکمت/۱۳۳).

نظام اقتصادی اسلام به گونه‌ای طراحی شده است که جامعه را به سوی تعدیل ثروت‌ها و توازن عادلانه اقتصادی سوق دهد و از سوی دیگر زمینه انباشته شدن اموال و تمرکز ثروت‌های کلان در دست عده‌ای محدود را از بین ببرد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۴۳۶/۲). در جامعه گرفتار به فزون طلبی و تکاثر، ثروت‌های کلان و زندگی مسرفانه در یک سوی، فقر و حرمان در سوی دیگر قرار خواهد داشت. برابر نص صریح قرآن، خداوند پیامبر(ص) را موظف می‌کند ثروت‌های عمومی را به گونه‌ای پخش کند که تنها در میان ثروتمندان ردوبدل نشود (حشر/۷). آیه شریفه به یک اصل اساسی که مایه تعدیل ثروت است، اشاره می‌کند و آن این است که اموال و ثروت‌ها نباید در دست گروهی محدود متمرکز باشد و دست‌به‌دست بگردد و در برابر، گروهی فقیر و درمانده وجود داشته باشد. به تعبیر امام عسکری(ع)، وجود فقر و محرومیت در جامعه، نشانه ستم و بی‌عدالتی از سوی گروهی به گروه دیگر است. «أَغْنِيَاؤُهُمْ يَسْرِفُونَ زَادَ الْفُقَرَاءَ» (نوری، ۱۴۰۸: ۳۸۰/۱۱). این در حالی است که ثروت جامعه، باید همانند خون در پیکر جامعه در گردش باشد و اگر در یکجا جمع گردد و در نزد گروهی اندک در گردش باشد و دست‌به‌دست بگردد، حیات جامعه به خطر می‌افتد. به فرمایش امام علی(ع) فراوانی مال، تباه‌کننده دین است. «اعلموا أنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ مَفْسَدَةٌ لِلدِّينِ» (حرانی، ۱۳۶۳: ۱۹۹). فزون خواهی و تکاثر طلبی و کنز کردن اموال و دارایی‌ها، فرد و جامعه را به سوی تباهی می‌کشاند و خداوند صریحاً ثروت‌اندوزی و گنجینه‌سازی اموال را تحریم کرده

است و به مسلمانان فرمان می‌دهد که اموال خویش را در راه خدا و در طریق بهره‌گیری بندگان خدا به کار اندازد و از اندوختن و ذخیره کردن و خارج ساختن آن‌ها از گردش معاملات به شدت بپرهیزند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۹۳/۷).

۲-۲-۴. رشوه‌گیری و رشوه‌پردازی

رشوه در لغت به معنای رسیدن به حاجت با دوستی و سازش و فریب است (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷: ۲/۲۲۶) که برای ابطال حق یا احقاق باطل با چاپلوسی داده می‌شود. پدیده رشوه‌گیری و رشوه‌پردازی، یکی از شوم‌ترین پدیده‌هایی که در حاکمیت نفوذ می‌کند و مانع بسیار خطرناک در راه عدالت‌گستری است. امام علی(ع) حلوی زعفرانی اشعث بن قیس را که با عنوان فریبنده هدیه، آن هم شبانه به در خانه آورده شده بود را به معجون از آب دهان مار سمی و یا قی کرده آن تشبیه می‌کند و می‌فرماید: «به او گفتم زنان بچه مرده بر تو بگیرند آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی؟ یا عقلت آشفته شد؟ به خدا قسم اگر هفت اقلیم و آنچه در آن‌هاست را به من دهند که در نافرمانی خدا، پوست جویی از دهان مورچه‌ای بگیرم، نخواهم گرفت» (خطبه/۲۲۴) چون به دست گرفتن قدرت اگر با انگیزه خدمت به مردم و رشد و تعالی آحاد جامعه باشد، مورد رضایت خداست. این فرمایش حضرت هشدار است برای همگان خصوصاً دولت‌داران که باید برای مقابله با آن چاره‌ای بیاندیشد. رشوه و عدالت دو دشمن دیرین همدیگرند که ابعاد و انواع امروزی آن گسترده است که باید مراقب بود و نظام اداری، قضائی و... را از نفوذ این ویروس خطرناک پاک‌سازی و آفت‌زدایی کرد، چراکه امام(ع) رشوه‌گیرنده را از حق ولایت محروم می‌داند (خطبه/۱۳۱). امام علی(ع) برای این که جلو رشوه‌خواری را در نظام اداری بگیرد و این پدیده پلید و فساد آفرین را از صحنه اجتماع پاک کند، گرفتن هدیه را ممنوع کرد. شیادان برای نفوذ در بدنه کارگزاری حکومت و بهره‌گیری از امکانات حکومتی، از هر راه ممکن آهنگ نفوذ خواهند کرد. امام برای کارگزاران پذیرفتن هدیه را «غلول» و گرفتن رشوه را «شرک» دانست (ری‌شهری، ۱۳۹۰: ۴۳). اصبع بن نباته از امام روایت می‌کند که حضرت فرمودند: اگر والی و سرپرستی هدیه بگیرد خیانت کرده است و اگر رشوه بگیرد، مشرک است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۴۵/۷۲). لذا پس از رسیدن به خلافت به سرلشکران نوشتند: پس از سپاس و درود، هلاکت پیشینیان شما بدان جهت بود که مردم را از حق بازداشتند، پس مردم آن را خریدند (مردم ناچار شدند به واسطه رشوه حق را از آنان بخرند) از آن سو آنان را به باطل وادار ساختند آن‌ها هم از باطل پیروی کردند (جرداق، ۱۳۷۳: ۱۶۹). در اندیشه امام رشوه بیماری مهلک و عامل هلاکتی است که شیرازه زندگی اجتماعی را از هم می‌پاشد و ظلم و فساد و بی‌عدالتی و تبعیض را در جوامع گسترش می‌دهد و از قانون و عدالت جز نامی باقی نمی‌گذارد.

۲-۳. موانع اقتصادی اجرای عدالت

مراد بخشی از فعالیت‌های اقتصادی است که خارج از چارچوب مبانی نظام اقتصادی اسلام شکل می‌گیرد. لذا امام علی(ع) اصلاح جامعه را در گرو اصلاح اقتصاد و اجرای عدالت در جامعه می‌دانست (آمدی، ۱۴۱۰: ۲۹۸/ج ۵۲).

۲-۳-۱. ربا

ربا در لغت به معنی زیادی (راغب، ۱۴۱۲: ۳۴۰/۱) و در شرع عبارت از بیع یا معاوضه یکی از دو عوض همجنس پیمان‌های یا وزنی در برابر دیگری با زیادی یکی از آن دو، یا قرض دادن به شرط زیادی است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۴۹/۴). استفاده مجانی و بلاعوض از دسترنج مردم بدون شک موجب ظلم و مانع اجرای عدالت است. در حقیقت رباخواری استخدام و به بیگاری کشیدن شخص مظلوم در برابر شخص ظالم و ستمگر است که باعث تجمع ثروت و تراکم آن از یک طرف و فقر و محرومیت عمومی از طرف دیگر می‌شود. از آنجاکه رباخواری موجب جدایی و بیگانگی بین دو طبقه ثروتمند و فقیر می‌شود و روز به روز این اثر شوم کوبنده‌تر و ویرانگرتر می‌شود، قرآن کریم آن را به‌عنوان اعلان جنگ با خدا و رسول معرفی می‌کند (بقره/۲۷۹).

یکی از علل گرفتاری افراد به پدیده رباخواری عدم آشنایی با احکام تجارت است. امام (ع) فرمود: «آن‌که بدون آشنایی با احکام به تجارت پردازد در ورطه ربا گرفتار شود» (حکمت/۴۴۷). در نظام اقتصاد اسلامی، با رباخواری که آثار وخیم آن به تدریج به همه شئون اقتصادی کشیده می‌شود، به شدت مقابله شده؛ زیرا رباخواری مسائل اخلاقی را درهم می‌کوبد و به سبب کینه شدید قشرهای ضعیف جامعه از ثروتمندان رباخوار، گاه بر اثر تراکم کینه‌ها، شورش عظیمی جامعه را فرا می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۵۴۱/۱۵) همچنین مانع تحقق عدالت و رفع ظلم در جامعه شده و افزون بر نابود کردن روحیه برادری و ایثار در بین مؤمنان، موجب تمرکز ثروت در دست گروهی می‌شود که از فعالیت‌های اقتصادی سالم و مفید کناره‌گیری کرده و به رباخواری و استفاده از پول رو آورده‌اند. به تعبیر علامه طباطبایی، ربا باعث قساوت قلب و خسارت می‌شود و این دو باعث بغض و عداوت و سوءظن می‌گردد و امنیت و مصونیت را سلب نموده، نفوس را تحریک می‌کند تا از هر راهی و وسیله‌ای که ممکن است چه با زبان و چه با عمل، چه مستقیم و چه غیرمستقیم از یکدیگر انتقام بگیرند و همه این‌ها باعث تفرقه و اختلاف می‌شود (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۴۱۹/۲) و تفرقه و اختلاف در جامعه منافی برنامه‌های عدالت‌خواهانه است.

۲-۳-۲. احتکار

احتکار در اصل از ریشه حکر به معنای ذخیره‌سازی و نگاه‌داشتن و انباشتن و در اصطلاح فقها به معنای خریداری اجناس به هنگام گرانی و نیاز مردم و نگهداری و انبار کردن آن برای افزایش قیمت است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۷۲/۲). یکی دیگر از موانع مهم در اجرای عدالت اقتصادی احتکار ارزاق عمومی و ایجاد گرانی و کمبود در جامعه است. احتکار تعادل عرضه و تقاضا را به هم می‌زند و موجب بالا رفتن قیمت‌ها، عدم امنیت اقتصادی و در نتیجه عدم تحقق عدالت اقتصادی می‌شود. احتکار در اندیشه امام علی (ع) خوی نابکاران و از رذایل اخلاقی و از خصلت‌های ابلهان است (ری شهری، ۱۳۸۸: ۳۶۵/۱). جلوگیری از احتکار یکی از وظایف دولت اسلامی است لذا امام به مالک‌اشتر دستور داد: «از احتکار به‌شدت جلوگیری کن که رسول خدا از آن منع فرمود، ... هرگاه کسی پس از نهي تو از احتکار، به آن دست زد او را مجازات کن، مجازاتی که بیش از حد نباشد» (نامه/۵۳) چون احتکار به‌نوعی عدالت

اقتصادی را در جامعه به چالش می‌کشاند و بین طبقات مردم ایجاد شکاف و دو دستگی می‌کند و موجبات بدبینی مردم به حاکمیت و نظام اسلامی می‌شود. بدین جهت است که حضرت در نامه‌اش به رفاعه دستور داد: از احتکار بازدار و آن کس را که احتکار کند، تأدیب کن و با آشکار ساختن آنچه احتکار شده، او را کیفر ده (ری شهری، ۱۳۸۹: ۱۰۳/۴). چون احتکار مانع تحقق و اجرای عدالت است، زیرا قیمت‌هایی که سود بالایی را برای یک طرف مبادله داشته و موجب اجحاف به طرف دیگر باشد، نه تنها عادلانه نیست که حقوق طرف را از بین می‌برد. امام علی(ع) درباره سرمایه‌داران، به مالک سفارش می‌کرد: «این را بدان که در میان بازرگانان کسانی هم هستند که تنگ‌نظر و بد معامله و بخیل و احتکار کننده‌اند که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند که این سودجویی و گران‌فروشی برای همه افراد جامعه زیان‌بار و عیب بزرگی بر زمامدار است» (نامه/۵۳).

۲-۳-۳. شیوه کسب درآمد

اسلام برای کسب ثروت از راه صحیح و حلال و اقتصاد سالم تأکید دارد و نگاهی منفی به ثروت و اقتصاد ندارد، چون ثروت باید در مسیر هدف کلی انسان و برای رسیدن به کمال فردی و اجتماعی باشد. اندیشه امام علی(ع) نه فقر اجتماعی را تأیید می‌کند و نه فقر فردی مورد تأیید امام(ع) است (حکمت/۳). اجتماعی که براساس عملکردهای اقتصاد آزاد به دو بخش نامتعادل تقسیم گردید و اموال جامعه در بخش اقلیت تراکم یافت، برای اجرای عدالت، به جراحی نیازمند است. در این جراحی، افزون بر وضع قوانین درست برای آینده، حسابرسی کارهای گذشته نیز ضرورت دارد. باید سرمایه‌هایی که با راهکارهای بی نظارت و سودجویانه مالی به جیب بخش اندکی از جامعه گسیل شده است، به کل جامعه بازگردد. امام علی(ع) در نخستین گام‌های اصلاحات خویش بدین سیاست روی آورد و زمین‌های بخشیده شده از سوی خلیفه سوم را به مسلمین بازگرداند. امام(ع) میان داشتن‌های افراطی و نداشتن‌های تفریطی رابطه می‌بیند و تراکم ثروت در بخش اقلیت جامعه را علت تهیدستی اکثریت می‌شناسد: «فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ» هیچ تهیدستی گرسنه نماند مگر اینکه ثروتمندی از حق و حقوق او بهره گرفت (حکمت/۳۲). کسی که فقر و سرمایه‌داری، شکاف طبقاتی، افزون‌خواهی و غیره را از بازدارنده‌ها و موانع بزرگ و یا ناسازگار عدالت نشناسد، چگونه می‌تواند برای از بین بردن آن‌ها برنامه‌ریزی کند (باقری، ۱۳۸۶: ۱۶۳).

نتیجه‌گیری

۱. عدالت و اجرای آن در جامعه از نیازهای اساسی و فطری انسان است. در اندیشه و سیره رفتاری امام علی(ع) عدالت دارای جایگاهی محوری و محکم در تنظیم حیات اجتماعی انسان‌ها است. چنان‌که برقراری عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین آرمان‌های بشری است که از دیرباز مورد توجه انسان بوده است.
۲. اجرای عدالت در جوامع انسانی، همیشه با مشکلات، موانع و محدودیت‌های گوناگونی روبرو بوده و هست که غفلت از آن، دستیابی به این آرمان والای ارزشی انسانی را به تأخیر می‌اندازد.

۳. جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) با روی کار آمدن سقیفه مسیر اجرای سیاست عدالت‌گرایانه را از دست داد. وقتی علی(ع) بعد از خلیفه سوم با اقبال عمومی مردم حاکم اسلامی شد، سعی کرد با کتاب الهی و سنت نبوی مسیر جامعه را به سیاست‌های اصلاحی پیامبر اکرم(ص) باز گرداند. تاریخ گواه آن است که حضرت در راه اجرای عدالت عملاً با موانعی مواجه شد.
۴. بررسی سخنان امام(ع) در نهج‌البلاغه بیانگر آن است که علت اصلی این انحراف، خودبرتربینی و استکبار مردم بود. این خصلت در سه حوزه فردی، اجتماعی و اقتصادی مسیر اجرای عدالت را به انحراف کشاند؛ و در عمل حضرت تمام‌وقت خود را صرف مبارزه با این امور کرد.
۵. امام(ع) تمام‌وقت خود را صرف مبارزه با موانع فردی (دنیاگرایی، امتیازطلبی، خودکامگی)، موانع اجتماعی (ضعف فرهنگ عدالت‌خواهی، تبعیض‌های دوگانه در اجرای قانون، تقسیم بیت‌المال و واگذاری پست‌ها، فزون‌خواهی و تکاثر، رشوه‌گیری و رشوه‌پردازی) و موانع اقتصادی (ربا، احتکار و شیوه کسب درآمد) نمود که در عمل اجرای عدالت در جامعه را با مشکل مواجه کرده و حرکت اصلاحی امام علی(ع) را کند می‌کرد.
۶. نتایج حاصل از این نوشتار بیانگر آن است که همه این عوامل معلول یک علت اصلی است و آن خصلت خودبرتربینی و خوداستکباری است که در تمامی ساحت‌های سه‌گانه مانع اجرای عدالت در جامعه است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰). غررالحکم و درر الکلم. قم: دارالکتاب الاسلامی. چاپ دوم.
- آیینوند، صادق. (۱۳۶۷). قیام‌های شیعیه در تاریخ اسلام. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). النهاية فی غریب الحدیث والاثر. قم: اسماعیلیان. چاپ چهارم.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید. (۱۳۸۵). شرح نهج البلاغه. بی‌جا: دارالاحیاء التراث العربی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۶۳). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین. چاپ دوم.
- ابن فارس، احمد بن زکریا. (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- احمدی، علی اصغر. (۱۳۹۰). «عدالت اجتماعی در نهج البلاغه زمینه‌ها موانع و دستاوردها». معرفت، شماره ۱۷، ۹۳-۱۱۰.
- اخلاقی، غلام‌سرور. (۱۳۸۹). «راهکارها و موانع تحقق عدالت در نظام سیاسی اسلام». کوثر معارف، شماره ۱۳، ۱۷۵-۲۱۰.
- انصاریان، حسین. (بی تا). تفسیر حکیم. قم: دارالعرفان.
- باقری، فردین. (۱۳۸۶). عدالت اجتماعی در گستره جهانی. تهران: جهاد دانشگاهی.
- جرداق، جورج. (۱۳۷۳). بخشی از زیبایی‌های نهج البلاغه. تهران: کانون انتشارات محمدی.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۳). فرهنگ پیرو، پیشرو. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: موسسه آل البيت.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. قم: دانش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
- رجحان، سعید. (۱۳۸۴). «اندیشه: عدالت؛ ماهیت، شاخص‌ها و موانع اجرایی آن». کتاب نقد، شماره ۳۷، ۷-۲۸.
- ری شهری، محمد. (۱۳۸۸). منتخب میزان الحکمه، قم: دارالحدیث.
- ----- (۱۳۸۹). دانش‌نامه امام علی بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ. قم: دارالحدیث.
- ----- (۱۳۹۰). سیاست‌نامه امام علی (ع). قم: دارالحدیث. دوم.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۵۲). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت- لبنان: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ سوم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹). کتاب العین. قم: هجرت. چاپ دوم.
- قرائتی، محسن. (بی تا). توحید، عدل و عدالت اجتماعی. بی‌جا: صبا.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ ششم.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴). بحار الانوار. بیروت: بی‌نا.
- معین، محمد. (۱۳۵۳). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر. چاپ دهم.

- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۵). **پیام امام امیر المومنین (ع)**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ----- (۱۳۸۰). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ----- (۱۴۲۷). **دایرة المعارف فقه مقارن**. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
- منتظری، حسینعلی. (۱۳۸۳). **درس های از نهج البلاغه**. تهران: سرایی. چاپ دوم.
- نوری، حسین. (۱۴۰۸). **مستدرک الوسائل**. قم: آل البیت.
- هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۳۸۲). **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)**. قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی.